

دیکتاتوری و کمونیزم

در ابتدای این سلسله مقالات ما به فساد دیکتاتوری اعم از استبداد فردی و یا دیکتاتوری اقلیتی اشاره نمودیم و ضمناً بطور مختصر مشخصات آزادی و دموکراسی را نیز به رشته تحریر کشیدیم و اینک در ادامه مطلب با استناد به ادبیات مارکسیسم - لنینیسم نشان خواهیم داد که دیکتاتوری از اصول مسلمه کمونیزم بوده و در رژیمهای کمونیستی ناگزیر الزامی میباشد .

اصولاً کمونیستها بطور صریح از دیکتاتوری دفاع مینمایند و از اظهار این مطلب هم که باید تا انقلاب جهانی پرولتاریا کشورها تیکه تیکه تحت رهبری احزاب کمونیست هستند با رژیم دیکتاتوری اداره شوند ابائی ندارند. ولی سعی مینمایند برای موجه جلوه دادن دیکتاتوری کمونیزم - رژیمهای دموکراسی را هم «دیکتاتوری بورژوازی» معرفی نمایند. در صورتیکه هر کس مختصر اطلاعاتی از رژیمهای دموکراسی داشته و بی غرضانه آنرا مورد بررسی قرار دهد - بدون هیچگونه تردیدی تصدیق خواهد نمود که اظهارات و تبلیغات وسیع کمونیستها تهمتی بیش نیست.

منظور اصلی کمونیستها از «دیکتاتوری بورژوازی» معرفی کردن رژیمهای دموکراسی، آماده نمودن روحیه طبقه کارگر برای حمایت از دیکتاتوری است که مزورانه نام آنرا دیکتاتوری طبقه کارگر نامیده اند و باین ترتیب میخواهند بگویند اصولاً رژیم دموکراسی که در آن آزادی باشد وجود ندارد و رژیمهای دموکراسی که بورژوازی مدعی آن است کذب محض بوده و آن رژیم هم دیکتاتوری بورژوازی است و بنابراین طبقه کارگر حق دارد دیکتاتوری پرولتاریا را جایگزین دیکتاتوری بورژوازی نماید .

در این مورد لنین میگوید :

« زیرا مهمترین و «قطعی ترین» منافع طبقاتی عموماً فقط بوسیله « تحولات عمیق سیاسی ممکن است عملی شود و خصوصاً منافع اساسی « اقتصادی پرولتاریا فقط بوسیله انقلاب سیاسی که دیکتاتوری

« پرولتاریا را جایگزین دیکتاتوری بورژوازی مینماید ممکن »
 « است عملی شود . »

لنین

چه باید کرد ؟ صفحه ۵۰

این تبلیغات وسیع به اصطلاح برای دیکتاتوری پرولتاریا یا دموکراسی کارگری فقط و فقط برای جلب حمایت طبقه کارگر جهت پشتیبانی از کمونیستها برای رسیدن به حکومت است. و انصافاً در روسیه در موقع مبارزات انقلابی برای بدست آوردن قدرت به چنین موفقیتی هم نائل آمدند .

ولی بعد از موفقیت نه اینکه بزرگترین بیلیات ممکن را بسر طبقه کارگر آوردند حتی کمونیستهای مبارز و عده ای از رهبران را که سالیان دراز برای تحقق کمونیزم مبارزات خونین نموده و سختیها و شکنجه های تزاری را تحمل نموده بودند بواسطه اظهار حقایق مورد شکنجه و آزار قرار داده و عده کثیری از آنان را تیرباران نمودند .

این کمونیستهای اسیر چنگال خونین کمونیزم میگفتند :
 که رژیم کشور ما دیکتاتوری پرولتاریا نبوده بلکه دیکتاتوری حزب کمونیست و اگر صحیح تر بگوئیم دیکتاتوری رهبران حزب است .

حتی کمونیست های متعصب هم این واقعیت را قبول داشتند ولی به این صراحت گفتنش را گناه نابخشودنی تلقی میکردند . در این مورد استالین بحث جالبی دارد و با نظر مخالف حقایق دیکتاتوری حزب و رهبران را بیان میکند ولی امروز برای همه مسلم است که حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و سایر احزاب کمونیست جز در راه تحکیم دیکتاتوری کمونیزم قدم برنداشتنند . استالین میگوید :

« زینویف میگوید: (در کتاب لنینیسم) رژیم که در اتحاد جماهیر شوروی وجود دارد از نظر مضمون طبقاتی آن چیست ؟ این «
 « دیکتاتوری پرولتاریا است . حاکمیت در اتحاد جماهیر شوروی «
 « مستقیماً به کدام فتر بسته است ؟ حاکمیت طبقه کارگر را کی «
 « عملی مینماید ؟ حزب کمونیست : به این معنی در کشور ما «
 « دیکتاتوری حزب است . »

استالین

در باره لنینیسم صفحه ۱۹۴
 اداره نشریات دولتی سال ۱۹۴۶

«آطوریکه حالا زینویف میگوید ؟ نه فقط رهبری دیکتاتوری حزب، بلکه رهبری «دیکتاتوری» پیشوایان هم با دیکتاتوری پرولتاریا»
 «منافاتی ندارد آیامیل ندارید با این منطق اعلام کنید که کشور ما، «کشور دیکتاتوری پرولتاریا است یعنی کشور دیکتاتوری حزب»
 «است یعنی کشور دیکتاتوری پیشوایان است ؟ پر نسیب «یکی شمردن»
 «دیکتاتوری حزب با دیکتاتوری پرولتاریا که زینویف آنرا دزدکی،
 «و باترس ولرزیان میکند کار را به همین حماقت میکشاند.»

استالین

درباره نینیسیم صفحه ۱۹۵

اداره نشریات دولتی سال ۱۹۲۶

«من دیگر راجع به يك رشته خطرات و نقایص سیاسی که اتخاذ»
 «فرمول دیکتاتوری حزب بدون در نظر گرفتن قیود فوق الذکر»
 «میتواند در کار عملی ما ایجاد کند چیزی نمیگویم . با چنین فرمولی،
 «وقتی بدون قید و شرط ذکر شود گوئی میخواهند تلقین کنند :»
 «الف - به توده های غیر حزبی که جرئت مخالفت نداشته باشید -»
 «جرئت قضاوت نداشته باشید زیرا حزب است که بهر عملی قادر»
 «است زیرا در کشور ما دیکتاتوری حزب است که حاکم است.»
 «ب - به کادرهای حزبی : جسورانه تر عمل کنید - فشار را شدیدتر»
 «نمائید به صدای توده های غیر حزبی هم میتوان اعتنائی نداشت -»
 «در کشور ما دیکتاتوری حزب است.»
 «ج - بصدور نشینان حزب - میتوان تا اندازه ای هم خودپسندی را به»
 «عنوان تجمل اجازه داده و شاید هم قدری مغرور شد - زیرا در کشور ما»
 «دیکتاتوری حزب است «در نتیجه» دیکتاتوری پیشوایان هم هست.»

استالین

در باره نینیسیم صفحه ۱۹۸

اداره نشریات دولتی سال ۱۹۲۶

ما در دنباله این بحث ابتداء مفهوم واقعی دیکتاتوری کمونیزم را با
 استناد به منابع مارکسیستی نشان داده و سپس دیکتاتوری رهبران را ثابت
 خواهیم نمود .

«معنی دیکتاتوری - این قسمت را حضرات کادتها مخصوصاً برای»
 «همیشه در نظر داشته باشند - عبارت از حاکمیت نامحدودیکه»
 «بزورتکیه میکند نه به قانون - در موقع جنگ داخلی هر گونه»

«حکومت فاتح فقط میتواند دیکتاتوری باشد و بس.»

ننین

جلد ۲۵ صفحه ۴۳۶ چاپ روسی

«دیکتاتوری حکومتیست که مستقیماً بزور تکیه میکند.»

ننین

جلد ۱۹ صفحه ۳۱۵ چاپ روسی

«دیکتاتوری پرولتاریا قدرت انقلابی است که بر فشار و جبر»
«بر بورژوازی تکیه میکند.»

استالین

راجع به اصول نینیسیم صفحه ۷۰

اداره نشریات به زبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۹

«دیکتاتوری پرولتاریا یک مبارزه سرسخت خونین و بدون خونریزی»
«جبری و مسالمت آمیز نظامی و اقتصادی - تعلیم دهنده و اداره کننده»
«برضد قوانین و سنن جامعه قدیمه میباشد.»

ننین

مرض بچگانه - چاپ روی در کمونیسیم صفحه ۵۳

از انتشارات نشریات به زبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۸

«مفهوم علمی دیکتاتوری نیست مگر آنکه حاکمیتی که به هیچ چیز»
«محدود نشود هیچ قانون و هیچ قاعده مطلقاً دست آنرا نبندد و مستقیماً»
«بزور تکیه کند.»

ننین

جلد ۲۵ صفحه ۴۴۱ چاپ روسی

بطور خلاصه کمونیستها هر عمل وحشت انگیز و هر جنایت هولناک را
که لازم بدانند مرتکب میگردند و هیچ قاعده و قانون و عرف و حقوق انسانی
نمیتواند مانع این اعمال گردد.

تصور می نمایم دقت در مفهوم و تعریف دیکتاتوری و اعمالی که میتوان با
استناد به چنین تعالیمی انجام داد کاملاً گویای سکوت، وحشتزای کشورهای
کمونیستی و عدم جرئت اظهار نظر مخالف در جوامع کمونیستی باشد.

بد نیست خوانندگان گرامی که در کشورهای دموکراسی زندگی مینمایند
و بخصوص هموطنان عزیز ما به حوادث شوم گذشته مملکت ما توجه نموده و

دورنمای از آن حوادث و عکس‌العمل دستگاه‌های قضائی اعم از نظامی و غیر نظامی را که بطور کلی و تیتروار اشاره خواهیم نمود در نظر خود مجسم نمایند.

پس از کشف سازمان نظامی حزب منحل‌توده ایران معلوم گردید که صدها افسر بعضویت این سازمان درآمده و هدف آنان بایاری اعضای حزب توده و از گونی رژیم موجود و قتل و عام کلیه مخالفین طبق تعالیم مارکسیسم و لنینیسم بوده است. با اینهمه حال دستگاه‌های انتظامی و قضائی از بازداشت و محکومیت عده کثیری که نقش رهبری نداشته و به نحوی از انحاء اغفال شده بودند صرف نظر نموده و با توجه بده‌ها هزار نفر که در چنین جریانی ضدملی بطور مؤثر شرکت کرده بودند فقط عده‌ئی را که نقش رهبری داشتند دستگیر و بازداشت نموده و سپس بمقامات قضائی تسلیم کردند.

پس از محاکمه و محکومیت در طول مدت زندان عده‌ئی که با اعدام محکوم شده بودند بایک درجه تخفیف بزندان ابد و سپس بتدریج که متنبه‌گشته و تقاضای بخشش مینمودند مورد عفو قرار گرفتند.

با توجه باین امر که کمونیست‌ها پس از موفقیت در روسیه حتی به کودکان و زنان مخالفین رحم نکرده آنان را تیر باران نمودند در کشور ما درست در نقطه مقابل دستور کمک‌های مالی بخانواده افسران زندانی صادر و بدینوسیله از در بدری کودکان و زنان زندانیان جلوگیری نمودند.

و در حادثه اخیر ۲۱ فروردین ماه که بجان شخص اول مملکت سوء قصد شده بود ترور کنندگان عادلانه محاکمه شده و پس از محکومیت با اعدام بازهم مورد عفو واقع شده و از مرگ نجات یافتند.

اینها نمونه کوچکی از حکومت عدالت و رعایت دموکراسی در کشور ما است و بعداً یکی از محاکمات واقع شده در اتحاد جماهیر شوروی را که خروشچف به کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی گزارش داده جهت ملاحظه خوانندگان گرامی عیناً نقل خواهیم نمود.

حالا خوانندگان گرامی میتوانند لحظه جنایات دیکتاتوری کمونیزم را که بنا به تأکید رهبران کمونیزم بین الملل باید مستقیماً بزور تکیه کند و هیچ قاعده و قانونی دست آنرا نبندد در افکار خود مجسم نموده و سپس ملاحظه نمایند.

آیا کسی میتواند ادعا نماید در کشورهای دموکراسی هیئت حاکمه یا دولت میتواند یکصدم چنین اختیاراتی را دارا بوده و

هر عملی که دلش بخواهد انجام دهد؟

آیا کسی میتواند نشان دهد که در یکی از کشورهای دموکراسی کسی میتواند حتی چنین ادعائی را نماید؟

ممکن است بعضی از خوانندگان گرامی تصور نمایند که این اعمال جبر و زور برای درهم شکستن قدرت «بورژوازی» و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بوده و پس از استقرار حکومت کمونیستی دموکراسی جایگزین آن میگردد؟ اگر تا اینجا را هم قبول نمائیم به این نتیجه میرسیم که کلیه قوانین و سنن جامعه دموکراسی و بانیان آن یعنی تحصیل کرده های بورژوازی - افسران - کارمندان - صاحبان صنایع بازرگانان - نمایندگان مجلس حتی کسانی که دارای خانه کوچکی هستند و از يك وسیله نقلیه مانند فولکس واگن بهره مند میگردند در همان اوائل حکومت حزب کمونیست بیرحمانه به دیار نیستی فرستاده خواهند شد چرا؟ برای آنکه باید با جبر خونریزی قوانین و سنن جامعه دموکراسی از بین برود.

ولی متأسفانه ادامه تعالیم نشان میدهد که دیکتاتوری به اینجا ختم نشده ادامه خواهد داشت و در این مورد استالین میگوید:

«در دوره ساختمان سوسیالیسم برعکس - کار آرام - تشکیلاتی و «فرهنگی - دیکتاتوری و جنبه قانونی انقلابی و غیره مخصوصاً»
 «به چشم میزند. ولی مفهوم این نیز ابتدا چنین نیست که در دوره»
 «ساختمانی جنبه جبری دیکتاتوری از بین رفته و یا ممکن است»
 «از بین برود. عوامل سرکوب کننده ارتش و سازمانهای دیگر»
 «همانگونه که در دوره جنگ داخلی وجودشان ضروری بود اکنون»
 «یعنی در دوره ساختمان نیز مورد لزوم است.»

استالین

در باره لنینیسم صفحه ۱۷۱

اداره نشریات دولتی مسکو سال ۱۹۲۶

نتیجتاً دیکتاتوری رهبران کمونیزم محدود به دوره معینی نبوده و پیوند ناگسستنی با اساس و بنیان کمونیزم دارد. و برای نمونه بدینست نظری به محاکمه کدرف که یکی از رهبران برجسته حزب کمونیست شوروی بوده بیفکنیم تا به بینم در دوره ساختمان سوسیالیزم چگونه عمل نموده اند.

این است آنچه که کمونیست دیرین کدرف از طریق رفیق اندریف (رفیق اندریف در آنوقت یکی از دبیران کمیته مرکزی بود) به کمیته مرکزی نوشت:

«من از اعماق يك سلول اندوهناك زندان لوفور تورسکی بشما متوسل

میشوم امیدوارم که فریاد های وحشت آمیزم بسمع شما برسد . در مقابل این نیازها - بی اثر نمانید و مرا تحت حمایت خود بپذیرید - از شما عاجزانه تقاضا دارم ترتیبی بدهید که کابوس خوفناک بازجوییها خاتمه یابد - ثابت کنید که مبنای پرونده من بر اشتباه گذارده شده است « من بیگناهم و از شما استدعا دارم که این امر را باور کنید گذشت زمان ثابت خواهد کرد که من حقیقت را میگویم . من عمل محرک او خرانای تزاری نیستم . من جاسوس نمیباشم - من عضو سازمان ضد شوروی بطوریکه بعضیها سعی دارند با اظهاراتشان مرا بدان متهم نمایند نیستم . من جرمی علیه حزب و یادولت مرتکب نشده ام . من يك بلشویك قدیمی ومبرا از هر لکه ای هستم و صادقانه در مدت بیش از چهل سال در صفوف حزب برای خوشبختی و رفاه ملت مبارزه کرده ام . »

امروز در سن شصت و دو سالگی قاضی باز پرس مرا تهدید به شکنجه های جسمانی شدیدتر و بی رحمانه تر و تحقیر آمیز تر میکند .

قضات باز پرس دیگر قادر نیستند و به اشتباهات خود پی برده و متوجه شوند که طرز دادرسی آنها غیر قانونی و غیر مجاز است آنها میکوشند عمل خود را توجیه نموده و مرا دشمن سرسختی معرفی نمایند و در نتیجه تقاضا دارند که طرق شکنجه آمیز بیشتری در مورد من اعمال گردد ولی حزب باید بداند که من بیگناهم و هیچ چیزی قادر نیست يك فرزند صدیق حزب را حتی هنگامیکه آخرین نفس خود را میکشد مبدل دشمن کند .

« من راه نجاتی ندارم . احساس میکنم که ضربات تازه و نیر و مندی در انتظار من است . اما هر چیزی را حدیست . شکنجه من به منتهای درجه رسیده است . سلامت من متزلزل گردیده قوه و نیرویم در حال زوال است و پایان عمر من نزدیک میشود . چه چیزی برای یکفرد صدیق و حشمتناکتر از این است که در يك زندان شوروی بمیرد و او را خائن بهمین معرفی نمایند . در حقیقت چقدر همه این جریانات هولناک است قلب من احساس تلخی ورنج فراوانی میکند . نه - نه - این پیش آمد عملی نخواهد شد ممکن

نیست عملی شود. من گریه میکنم. نه حزب. نه دولت شوروی و نه بریا کمیسر مردم اجازه چنین ظلم شدید و غیر قابل ترمیمی را نخواهند داد. من کاملاً اطمینان دارم در صورتیکه با بی نظری و آرامش - بدون خشم و تهدید شکنجه بوضع من رسیدگی شود به آسانی ثابت خواهد شد که اتهامات علیه من بدون اساس بوده است. من قلباً ایمان دارم که حقیقت و عدالت بالاخره پیروز خواهد شد. آری من ایمان دارم. ایمان دارم.»

هیئت قضات نظامی رفیق کدرف آن کمونیست قدیمی را بیگناه تشخیص داد. معذلك بدستور بریا وی تیر باران گردید. (ابراز انزجار حضار)

گزارش سری خروشچف

به کنگره بیستم حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد جماهیر شوروی

بنابر این دیکتاتوری لازمه ادامه حیات کمونیزم است و ملازمه دیکتاتوری هم خواهی نخواهی فساد، ظلم و عدم دموکراسی و آزادی و عدالت است، و این ظلم و شکنجه بجائی میرسد که حتی بعد از برائت قدیمی ترین کمونیست در دادگاه نظامی، بدستور شخص بریا کدرف متهم تبرئه شده تیر باران میگردد.

آنچه مسلم است دیکتاتوری کمونیزم هیچوقت به پایان نخواهد رسید و دلایل آنهم واضح و روشن میباشد برای آنکه اگر تمام کشورها هم تحت سلطه کمونیزم در آیند، باز هم چون تمام مردم مسلك کمونیزم را قبول نکرده اند برای حفظ رژیم کمونیزم در مقابل اکثریت قاطع غیر کمونیست دیکتاتوری ضروری است، یعنی در واقع پس از پیدایش چنین مرحله که ملازمه آن تحقق انقلاب جهانی پرولتاریا است دوره ساختمان سوسیالیسم شروع میگردد که طبق تعالیم مارکسیسم لنینیسم باید با رژیم دیکتاتوری کشورها اداره گردند.

کمونیستها مدعی هستند پس از آنکه تمام بشریت به مسلك کمونیزم گرویدند و دیگر کمونیزم مخالفی در جامعه نداشت دموکراسی بمفهوم واقعی آن برقرار خواهد شد.

اگر این ادعا صد درصد صحیح هم باشند يك وعده پوچ و بی اساس میباشد چون بهیچوجه نمیتوان قبول کرد که تمام دنیا يك پارچه به کمونیزم بگروند هم اکنون تعداد کمونیستها در کشور بنیان گزار این مسلك یعنی اتحاد جماهیر شوروی بیش از صد جمعیت نمیباشد.

بنابر این اگر از خوانندگان گرامی کسی بتواند چنین پیش بینی نماید که

حتی انقلاب جهانی پرولتاریاکی تحقق پیدا خواهد کرد؟ و حکومت واحد کمونیستی بوجود خواهد آمد؟ در آن صورت میتواند بگوید در آن تاریخ مرحله اول دیکتاتوری کمونیزم تمام شده و مرحله دوم دیکتاتوری که مرحله دوره ساختمان است شروع خواهد شد و مرحله سوم برقراری دموکراسی که مربوط به کمونیست مومن شدن تمام عالم بشریت است فکر نمیکنیم حتی قابل تصور هم باشد.

به این دلایل است که ما میگوئیم دیکتاتوری جزء لاینجزای کمونیزم میباشد. مگر آنکه بشریت با دادن میلیونها قربانی این سد غیر انسانی کمونیزم را هم مانند دوره انگیزسیون درهم شکسته و آزادی را جانشین آن نماید اینک لازم است در دنباله مطلب خوانندگان گرامی را با نحوه کار حزب کمونیست آشنا نمایم. اهمیت این موضوع از آن جهت است که در حکومت حزب کمونیست هیچ قدرتی غیر از کمیته مرکزی حزب کمونیست در صورت اصالت عمل حزبی و در غیر این صورت قدرتی بالای قدرت رهبر وجود ندارد و تنها آنان هستند که اعمال قدرت مینمایند و الاقیه سازمانها اعم از مجلسین - دولت سندیکاهای کارگری تماماً حرف پوچ است. اینک چند جمله از رهبران کمونیزم بین الملل را نقل نموده و سپس به ادامه مطلب خواهیم پرداخت.

« رهبر دولت و رهبر در سیستم دیکتاتوری پرولتاریا تنها يك حزب است،
یعنی پرولتاریا یعنی حزب کمونیستها که رهبری را با سایر احزاب
تقسیم نمیکند و نمیتوانند هم تقسیم کند »

استالین

در باره نینینیم صفحه ۱۶۷
اداره نشریات دولتی مسکو سال ۱۹۲۶

« ما که حزب حکومت کننده هستیم نمیتوانستیم مقامات بالائی «شوروی»
را « با مقامات بالائی حزب توأم نکنیم برای ما آنها توأم هستند»
« و خواهند بود. »

نینین

جلد ۳۶ صفحه ۲۰۸ چاپ روسی

« هنگامیکه ما را در باره دیکتاتوری يك حزب ملامت کرده و
« همانطوریکه شنیده اید جبهه واحد سوسیالیستی را پیشنهاد میکنند
« ما میگوئیم: آری دیکتاتوری يك حزب « ما طرفدار آن هستیم»
« و از این زمینه هم نمیتوانیم خارج شویم چون این حزبی است که
« در ظرف دهها سال موفقیت پیش آهنگی تمام پرولتاریای کارخانهها»

« و فابریکها و صنایع را بدست آورده است »

لنین

جلد ۲۴ صفحه ۴۲۲ چاپ روسی

« هیچیک از مؤسسات دولتی جمهوری ما بدون اخذ دستور کلی از »
« کمیته مرکزی حزب هیچ مسئله مهم سیاسی و تشکیلاتی را حل و »
« فصل نمینمایند. »

لنین

مرض بچه گانه - چاپ روی در کمونیسیم صفحه ۶۰
اداره نشریات بزبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۸

« در حقیقت تمام مقامات رهبری در قسمت اعظم اتحادیه های کارگری »
« و البته قبل از هیئت مرکزی یا بیوروی کل اتحادیه های کارگری »
« روسیه (شورای مرکزی اتحادیه های کارگری سراسر روسیه) »
« مرکب از کمونیستهاست که کلیه دستورات حزب را اجراء مینمایند. »

لنین

مرض بچه گانه - چاپ روی در کمونیسیم صفحه ۶۱
اداره نشریات بزبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۸

بنابراین مسلم است صحبت از دولت - اتحادیه های کارگری - مجلسین و
غیره در اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای کمونیستی حرف بیمعنی است
و کسانیکه تحت هر عنوان و سمت از طرف دولت های کمونیستی وارد مذاکره
میگردند ؟

طرف مقابل باید بداند بایکی از رهبران حزب کمونیست با مختصات
یک فرد کمونیست روبرو است و آنان هیچ قدمی را برنمیدارند مگر آنکه در آن
سودی برای ایدئولوژی خود تصور نمایند و برای شناسائی این افراد بهتر است
به قسمتی از دستورات لنین توجه نمائیم .

« باید توانست در مقابل تمام این تشبثات مقاومت به خرج داد - »
« بهر فداکاری تن درداد و حتی اگر لازم شد بهر گونه حمله و تزویر - »
« بکار بردن طرق مخفی سکوت و اختفای حقیقت دست زد. »

لنین

مرض بچه گانه - چاپ روی در کمونیسیم صفحه ۷۴
اداره نشریات بزبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۸

« بدیهی است که مافقط از نظر صلاح کار مخالف ترور فردی بودیم و »
« اما کسانیرا که به خود اجازه میدادند از نظر اصولی با ترور انقلاب، »

«کبیر فرانسه ویا اساساً با ترور از طرف يك حزب انقلابی که بوسیله»
 «بورژوازی تمام گیتی محاصره شده است مخالفت کنند . چنین»
 «اشخاصی را حتی پلخائف در همان سالهای ۱۹۰۰ - ۱۹۰۳ هنگامیکه»
 «هنوز مارکسیست و انقلابی بود مورد استهزاء و تحقیر قرار میداد»

لنین

مرض بچه گانه - چپ روی در کمونیزم صفحه ۳۰ و ۳۱

اداره نشریات بز با نهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۸

خوانندگان گرامی ملاحظه مینمایند که عناصر کمونیست و
 در رأس آن رهبران حزب کمونیست برای پیشرفت و موفقیت از هیچ
 عملی خودداری نمینمایند . برای آنان ترور - قتل - آدمکشی -
 دروغ - حيله و تزویر و بطور کلی هر عمل شایسته و ناسایسته
 برای پیشرفت صحیح است و این دستور و تعلیم لنین یعنی بزرگترین
 شخصیت کمونیزم بین الملل میباشد.

باتوجه به این دستورات و تعلیم و جمله مورد اتکاء رهبران کمونیزم
 بین الملل که دائماً و در هر لحظه و در هر زمان میکوبند ما پیرو تئوری مارکسیسم
 لنینیسم میباشدیم و در تمام فعالیت و کوششهای خود از لنین رهبر بزرگ الهام
 میکیریم تصور نمیرود دیگر تردیدی در نحوه عمل و رهبران کمونیزم بین الملل
 وجود داشته باشد.

بعضی از خوانندگان گرامی ممکن است تحت تاثیر تبلیغات وسیع
 و دامنه دار کمونیستها تصور نمایند که در داخل حزب کمونیست دموکراسی و آزادی
 برای عناصر کمونیست و اعضای حزب به مفهوم واقعی کلمه وجود دارد.
 حداقل ضرر این تصور این است که اعضای عادی حزب کمونیست و
 اشخاصیکه در کشورهای دموکراسی به حزب کمونیست گرایش پیدا کرده و
 عضویت آنرا قبول مینمایند خود را شخصیتهای ممتازی تلقی نمایند . و بسا
 ممکن است تا زمانیکه حزب به قدرت نرسیده و حکومت را در دست
 نگرفته و تاحدودی دموکراسی در داخل حزب رعایت شود و لی
 آنچه مسلم است پس از به حکومت رسیدن حزب چهره واقعی آن
 نمودار شده و به يك دستگاه ترور و وحشت تبدیل میگردد.

و بجائی میرسد که بجز رهبران سایر اعضاء جز اطاعت کور کورانه و بی
 چون و چرای دستورات کمیته مرکزی قدرت کوچکترین عکس العمل را از
 دست میدهند. بنا بر این لازم است برای شناسائی نحوه عمل حزب با اعضای خود

نیز به دستورات دوشخصیت بزرگ کمونیزم بین الملل یعنی لنین و استالین توجه نمایم.

«حزب کمونیست فقط در صورتی میتواند وظیفه خود را انجام دهد که تشکیلاتش دارای منتهای مرکزیت بوده و در آن انضباط آهنین، نزدیک به انضباط نظامی حکمفرما باشد و مرکز حزبی آن دستگاه، مقتدر و مسلط و دارای اختیارات وسیع باشد.

لنین

جلد ۲۵ صفحه ۲۸۲ - ۲۸۳ چاپ روسی

«هر کس و لواندکی انضباط آهنین حزب پرولتاریا راضی نیست میسازد»
«مخصوصاً در موقع دیکتاتوری پرولتاریا» در عمل به بورژوازی برضد
«پرولتاریا کمک مینماید.»

لنین

جلد ۲۵ صفحه ۱۹۰ چاپ روس

«حزب عبارت است از وحدت اراده ای که با هر قسم فراکسیون بازی»
«و تجزیه اقتدار در داخل حزب منافی باشد.»

استالین

راجع باصول لنینیسم صفحه ۱۶۹

اداره نشریات بزبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۹

«انضباط آهنین در حزب بدون وحدت اراده بدون عمل کامل و بی چون»
«و چرای همه اعضای حزب غیر قابل تصور است.»

استالین

راجع باصول لنینیسم صفحه ۱۶۷

اداره نشریات بزبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۹

تمام جنایاتی که ابتدا کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی سپس شخص استالین به عنوان یک رهبر و یا دیکتاتور نسبت به اعضای حزبی حتی نسبت به بلشویکهای قدیمی که هر کدام بیست الی چهار سال سابقه فعالیت انقلابی داشته و زندانها و شکنجه های تزاری تحمل نموده اند اعمال میگردید کاملاً مستند بدستورات و تعالیم فوق الذکر است که عیناً نقل گردید.

شاید بعضیها عمیقاً به کلمات «انضباط نظامی» و «اطاعت بی چون و چرا» و «تضعیف انضباط آهنین مخصوصاً در موقع دیکتاتوری پرولتاریا کمک به بورژوازی»
بوده و ضد پرولتاریا است توجه نمایند.

مفهوم این کلمات در قاموس کمونیزم بسیار ساده است یعنی بکش - کشته شو ولی بهیچوجه حق نداری بررسی برای چه؟ چون این دستور است؟ دستور کمیته مرکزی؟ دستور رهبران حزب است؟

آخرین مسئله ای که در این قسمت باید مورد بحث قرار گیرد آن است که به بنیم لنینیسم مخصوص روسیه است و یا یک مسئله بین المللی بوده و شامل تمام کشورهایی است که میخواهند حکومت کمونیستی تشکیل دهند. در این مورد نیز بهتر است به اظهارات رهبران کمونیزم بین الملل توجه نمایم.

«مسئله عمده لنینیسم دیکتاتوری پرولتاریا است و در این صورت، لنینیسم آموزش بین المللی پرولتراها تمام کشورها بوده و بدون «استثناء برای همه کشورها منجمله برای کشورهای سرمایه داری» «مترقی نیز بکار آمده و حتمی میباشد.»

استالین

در باره لنینیسم صفحه ۱۵۷

اداره نشریات دولتی مسکو سال ۱۹۴۶

«اگر لنینیسم فقط تطبیق ساده مارکسیسم با اوضاع مختص روسیه»
«بود آنوقت لنینیسم یک پدیده صرفاً ملی و فقط ملی - صرفاً روسی»
«فقط روسی میشود. و حال آنکه ما میدانیم لنینیسم پدیده ایست بین المللی»
«نه فقط روسی که در تمام سیر تکامل بین المللی ریشه دارد.»

استالین

راجع باصول لنینیسم صفحه ۹ و ۸

اداره نشریات بزبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۹

«لنینیسم بطور کلی تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتاریا و بطور اخص»
«تئوری و تاکتیک دیکتاتوری پرولتاریا میباشد.»

استالین

راجع باصول لنینیسم صفحه ۹ و ۱۰

اداره نشریات بزبانهای خارجی مسکو سال ۱۹۴۹

نتیجتاً لنینیسم دستورات و تعالیم لنین محدود بر روسیه نبوده و کاملاً جنبه بین المللی دارد و کلیه عناصر کمونیست جهان در صورت قبول ایدئولوژی کمونیزم ملزم با اجرای این دستورات و تعالیم میباشند.